

اسم الله الوهوب الوهوب

www.KitaboSunnat.com

یا اسد الغالب



روزنامه اخبار و گزارشات

روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد سوم

شماره های ۲۶۱ - ۳۷۴

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

با همکاری

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها

تهران

۱۳۷۳

www.KetabFarsi.com

نام کتاب: روزنامه وقایع اثناقیه

تهیه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ناشر: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه

(تهران، خیابان انقلاب اسلامی، نبش فلسطین، شماره ۱۱۸۸، ساختمان بنیاد فجر،

طبقه سوم، کد پستی ۱۷۱۵-۱۳۱۴۵، تلفن: ۶۴۶۲۰۴۰؛ فاکس: ۶۴۶۹۸۵۶)

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: اول

چاپخانه: نوظهور

لیتوگرافی: تصویر

صحافی: مهرداد

تاریخ انتشار: ۱۳۷۳

قیمت: ۱۰۰ ریال

باسمه تعالی

به روزنامه ایام در همه پیداست
اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان
(عنصری)

پیشگفتار

واژه «روزنامه» همزمان با نفوذ اسلام در ایران به کار می‌رفته است و در متون کهنی چون یتیمه الدهر ثعالبی و معجم الادباء کلمه روزنامه و روزنامهچه (روزنامهچه) دیده می‌شود، ولی باید دانست که روزنامه در آن دوران حاوی بیان وقایع مهم دربار پادشاهان و شرح زندگانی وزراء و بزرگان بوده و در یک نسخه منتشر می‌شده است. این واژه تا اوایل دوره قاجار نیز به همین مفهوم به کار می‌رفته است، چنانکه مجموعه‌هایی از این روزنامه‌ها در زبان فارسی موجود است و آخرین مجموعه مستقل از این نوع که سراغ داریم روزنامه میرزا محمد کلانتر شیراز در شرح وقایع زندیه و روزنامه خاطرات محمدحسن خان اعتمادالسلطنه است. در دوره قاجاریه در معنی واژه روزنامه تغییری پدید آمد و به گزارشهای وقایع‌نگاران دولتی که از شهرستانها اخبار جاری را به دولت مرکزی می‌نوشتند نیز روزنامه گفته می‌شد.

روزنامه انتشار خبرهای کوتاه و مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زمان خود را سریعتر از کتاب به عهده داشته است و به همین دلیل چاپ و نشر روزنامه در میان مردم با استقبال مواجه شد، و روزنامه‌ها یکی پس از دیگری هوادارانی پیدا کردند. امروزه روزنامه‌های قدیمی همپای با کتاب و اسناد دولتی یکی از منابع تحقیقی

محسوب می‌شوند. از آنجا که دوره کامل آن کمیاب شده بود از این رو، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در صدد احیاء روزنامه‌های قدیمی برآمده است.

ویژگی مجمرعه حاضر در مرحله اول، ضمن کامل بودن یکی از یادگارهای برجسته فرهنگی و نمونه‌ای از خدمات میرزا تقی خان امیر نظام است و دیگر سبک نویسنده‌ی ساده و روان و از نظر وقوف بر مسائل اجتماعی، سیاسی و تاریخی اخبار آن از نفایس عهد ناصری است. مورخین و پژوهشگران خود نیک می‌دانند که اگر پژوهش یا تحقیقی بدون مراجعه به همه منابع و اسناد و مدارک صورت پذیرد تا چه حد ناقص و نارساست. به منظور رفع این مشکل کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه کامل روزنامه وقایع اتفاقیه را در چهار مجلد (۴۷۱ شماره) به جامعه اسلامیان تقدیم می‌دارد.

در پایان به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، از جناب آقای دکتر خرمی که مجموعه نفیس خود را در تکمیل مجموعه در اختیار کتابخانه قرار داده‌اند، از جناب آقای حائری رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مجموعه کتابخانه مجلس را برای جبران کسری در اختیار ما گذاشته‌اند، و جناب آقای دکتر رضوانی که مسئولیت تهیه مقدمه را به عهده گرفته‌اند و نیز از دیگر عزیزان؛ جناب آقای دکتر نوانی، آقای دکتر شیخ الاسلامی، آقای کامران فانی، آقای محمدحسن رجبی، آقای فرید قاسمی و خانم شهلا بابازاده که در تهیه این مجموعه کتابخانه را یاری کرده‌اند قدردانی می‌کنیم و توفیق آنان را در راه خدمت به فرهنگ غنی ایران اسلامی از خداوند بزرگ خواستاریم.

زحمت اصلی گردآوری این مجموعه را آقای عنایت... رحمانی برعهده داشته‌اند و با دقت و پشتکار قابل تحسین شماره‌هایی که در مجموعه کتابخانه ملی موجود نبوده از گوشه و کنار فراهم آورده و کوشیده‌اند تا آنچه در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد از جامعیت برخوردار باشد. زحمات ارزنده ایشان شایسته قدردانی و امتنان است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

www.KetabFarsi.com

جلد سوم

شماره‌های ۲۶۱-۳۷۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم و دوم شعبان و اول مطابق اول شوال سنه ۱۲۷۲

مزه هیت و هیت و یک

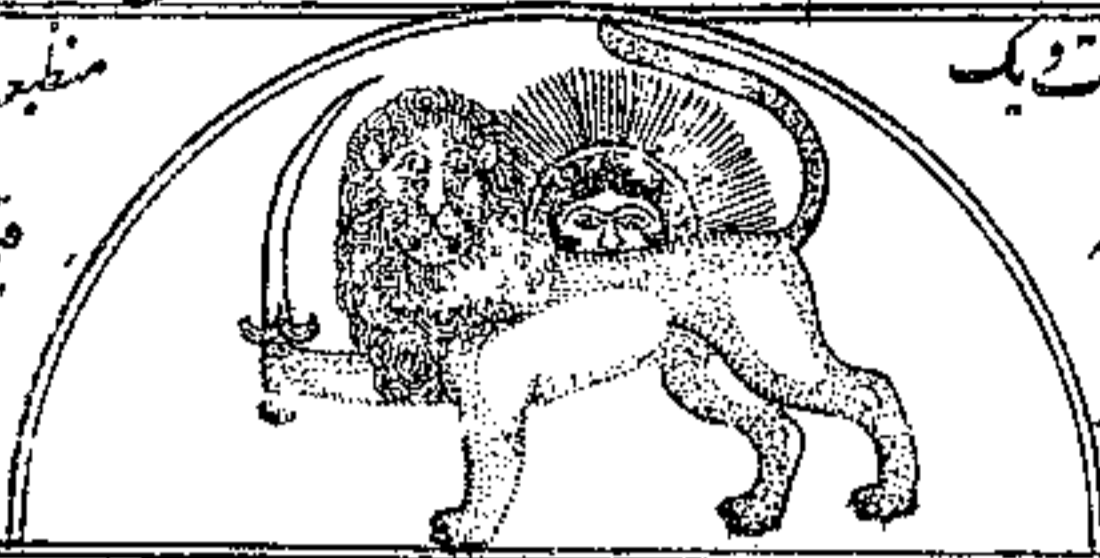
منطبت دار اختلاف ظهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شلر

هر خط پنج شلر



احبار و اخذ مالک محروم پادشاهی

دار اختلاف ظهران

نارز اجاره کنند چون مختصر و مبهم نوشته شد بود بطور وضوح حال نوشته شود که جناب جلالت عظمی اراغی و بیوتان و عمارات دیوانی ارک را که مجهول الحال است کلاً برای حلیت ناز و اباحه مکان از جناب شیخ معزی الیه اجاره شمرعی نمودند که برای جمع مسکن و مومنین حلیت داشته باشد که هر کس در هر جا از عمارات و بیوتات دیوانی هر وقت خواست باشد نازکند بر او باح و حلال باشد و بجهت اطلاع کمال مسکن نوشتن و اخبار این فتنه لازم بود

در روز پنجشنبه ششم این ماه اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی عزیمت گشت و تفرج فرمودند از دروازه دولت که بگردن تشریف بردند و سواره بسیار که احضار در بارگاه یون شده بودند در دروازه دولت در کمال آرا صف کشیده بفر بارگ رسیدند چون نهایت انتظام را داشتند مورد تحسین و تهنیت گردیدند و اعلیحضرت اقدس عالیجناب در ملاحظه آنها بسیاحت و تفرج اطراف دار اختلاف عزیمت فرموده نزدیک غروب باقیاب بارگ مبارک که سلطانی معاودت فرمودند

چون شکرمازندران را اولیای دولت علیه مقرر فرمودند در کارخانه دولتی سفید کنند که به صرف کافی ناس رسد لهذا امر بفرمودند که دیگر شکرمازندران را برای

در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود که جناب اشرف احمد صدر اعظم مختم مقرر داشتند که اراغی مجهول الحال ارک را از جناب مجتهد الزمان شیخ عبدالحسین برای حلیت و اباحه

۱۶۵۷

سجارج نبرد حکام ولایات اذن دارند که
قدغن نمایند و در کما نهای عرض راه بر
بعد ازین شکرمانند ران را بولایات خارج
بیرو مانع شده نگذارند و برگردانند که
شکرای سفید کردن و فور هم رسانند

امورات قشونی

چون حیدی هوالبیارسر بود حسب الامر
کالیون مشق توپچی و افواج قاهره و سواره
موقوف شده بود این روز که بواقدری
با عدال آمد است توپچان و افواج قاهره
و سواره نظام متوقفین دار الحکله مبارکه
همه روزه بقرار استمرار در میدان ارک و
میدان مشق خارج دروازه دولت حاضر
گشته و ساعت مشق می کنند و همه حصا
کمال مراقبت ادر تعلیم آنها دارند

سایر ولایات

در پایتخت و اصفهان این ولایات
در این بفته اخباری رسیده است

استرآباد

از هزار یک در روزنامه استرآباد نوشته اند
از ورود مقرب انخاقان جعفر قلیخان اینجانی با
در باب نظم شهر و محلات قدغن آید کرده است
که چهار ساعت که از شب رفت احدی از خانه

سایر

۱۶۵۸

بیرون نیاید و در هر محله که در ذمی اتفاق سفید
اهل آن محله حکما یا در و را پیدا نمایند با از عهد
مسروقه برآیند و بعضی بیزه که با از قبیل سیر
و قمار بازی که سابق می شده است بکلی موقوف
باشند و زنها قرار شده است که مطلقا از خانه

بیرون نیاید مگر مردان آنها سرا باشد
روی بند و چاقو را باشند با بجه مقرب انخاقان
مشار الیه بطوری نظم در آنجا گذاشته است که
امالی استرآباد بجا مانده که سابقا با جمعیت جری
منیکردند بروند و از ترکمانان توش و داشتند
حال او نفر بیشتر و کثیر و کمال سودگی آمد و رفت
نیامیند که سفند و دو اب استرآباد و ترکمان
در یکجا می کنند و کسی قدرت دست اندازی
ندارد از جمله قاطری از نواب جهان سوز میرزا که بی
حلف برود و بوزن از قطار خارج شده و با وجات
ترکمانان رفته بود قاطرحی بعقب او رفته و
بود که دوسه نفر ترکمان قاطرحی او را که بصاحب
رو نمایند شارالیه گفته بود که از من است باورد
کرده و رفته بودند

و هم چنین قوشی از مال عالیجا محمد حسین خان
مقرب انخاقان اینجانی پریده بمیان طایفه آبا
افتاده بود و بعد از آنکه فهمید بودند مال کیست
آورده در استرآباد تسلیم کرده بودند

دیگر نوشته بودند که در بیت و سیم ماه ربیع الثانی
افغان خان فوت که خانه او در طران پیش
نوشته از طغان فازی بنزد مقرب انخاقان
ایلیخانی آورده باین مضمون که هزار و پانصد سو
از طایفه جعفر بای و اتابای ترکمان بسبب این
اترک نشین رفتند که با آنچه اسیر در ایل
منور است خودشان با ریش سفیدان او
با نجاتیدم گانید که با ستر آباد بفرستند یا
مستعد جنگ بشناید ایل منور هم قرار دادند که
اسرار امصوب ریش سفیدان خود بنزد مقرب
ایلیخانی بفرستند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه میرزا اسمعیل خان
پشکار ستر آباد قرار رسیدگی محاسبه
ماضیه جمعی مقرب انخاقان محمد و لیخان بیکری
داده و در شانزدهم ماه ربیع الثانی ماسخن
وسرگردگان و که خدایان ستر آباد را جمع نمود
با کمال احترام بمنزل بیکری رفت و در آنجا
مشول رسیدگی محاسبه ماضیه چنانچه
و هم چنین در نظم شهر و محلات عالیجاه میرزا اسمعیل
سبب احکام مقرب انخاقان ایلیخانی کمال اهتمام
دارد و االی اولایت نیز نهایت رضامندی
از حسن سلوک و معقولیت او دارند
دیگر نوشته بودند که فوج عرب ابوالجهمی نواب

چهارم روز میرزا همه روزه مشول مشق و تعلیم
تواعد نظامی میباشند و از جانب نواب معیری
و سایر صاحب منصبان کمال اهتمام در
مشق و انتظام امر فوج منور بعمل می آید
دیگر نوشته بودند که بجهت ورود مقرب انخاقان
ایلیخانی نواح ماکولات قدری ترقی کرده و با
رفته بود عالیجاه میرزا اسمعیل خان و ستاده
که خدایان و مسباشین را آورده و قدغن
نمود که نواح ماکولات بقره چهل روز قبل باشد
و اینها نیز از امر معمول است

استر آباد و بر وجه و ولایت
سمنان و عراق ایزین ولایات
نیز درین مهله اخباری رسید

فارس

از هزاریکه در روزنامه فارس نوشته بودند
چون در موسم عقب بارندگی بوضع بسیار
خوب شد زراعت زیاد در همه بلوکات کاشتن
ولی در این اوقات قدری بارندگی کم شده
بود و زارعین فی الحکله تشویش داشتند تا در مقدم
و هجدهم ربیع الثانی برف و باران آمد بطوریکه
باعث مزید امیدواری رعایا گردید و همچنین در
شب جمیت چهارم ربیع الثانی نیز باران بسیار خوب

۱۶۵۹

دیگر از قراریکه از خط لارستان خبر رسیده بود
 نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا صفی حاجت مرلور
 در کمال نظم دارند و یکصد نفر از سرباز خرقانی را
 بجهت وصول مالیات نامور بندر کنکان مبعوث کرده
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد قلیخان ایلخانی
 قفقانی اموریات بسیار منظم دارد و از وفات
 ایلات عازم قشلاق شده اند هر یک در محل خود
 در نهایت نظم و سلوک و حسن رفتارند
 دارند و نسبت با عهدی از آنها تعهدی و خلاف
 حساب ظاهر نمی شود
 دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان حاجی قوام
 در قرب خان خود مدینه جدید السناد در کمال
 و صفاساحت است و بسیار مطبوع و خوب شده
 و تخیلات دوماه دیگر صورت تمام خواهد یافت
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد علیخان سیرت
 تحت فاپوی قراچه داعی با فوج خود با نوزده سالگی
 بندر ابو شهر گردیده در میت و چهارم ماه برج
 عازم بندر مرلور گردید
 دیگر از قراریکه نوشته اند نزع اجناس مالکول
 فارس نسبت بسبب افسوس بسیار متزلزل دارد
 و سبب آن هر چیزی از زان و فراوان است و مردم

۱۶۶۰

از جمله کمال سودگی و شکرانه دارند
 دیگر از قراریکه از بندر ابو شهر نوشته بودند نهایت
 انتظام در امور انولایت حاصل است و عالیجاه
 میرزا حسنعلی خان دریا بکی و حاکم بو شهر کمال اهتمام
 در انتظام امر آنجا دارد و همچنین عالیجاه محمد یحییان
 سربک فوج نهادندی مراقب نظم سرباز خود
 و سرباز و توپچی همه روز مشغول مشق میباشند
 و در حفظ و حراست برج و باسیاها نهایت
 اهتمام را دارند و مالی انولایت نیز کمال رضایت
 از حسن سلوک آنها اظهار می نمایند و سرباز نهاد
 هفته بچرخ مشغول مشق تیراندازی میباشند و کمال
 اهتمام را در مشق دارند
 دیگر نوشته بودند که بعد از دولت نواز سربازان
 نهادند و تالیسیرکان در بندر ابو شهر مرخص میباشند
 و عالیجاه دریا بکی طبیب و وجه دو اجهت آنها
 کرده مشغول معالجه و طب و ایماشند
 دیگر نوشته اند که در قورخانه فارس چندی بود که بطور
 کارنی شد در این اوقات نواب مستطاب میرزا محمد تقی خان
 شجاع الملک مقرر داشتند که سرب باروط و سایر صورت
 بجهت علقه قورخانه موجود و همیسانانند که در کار مشغول
 فشک و غیره باشند
 دیگر نوشته بودند که امسال آثار طغ حواری که هر سال
 فارس بود بجهت افسوس چو چیت و امید کلی است که آن

اسال زراعات فارس ازین وقت مصون باشد

دیگر از قراریکه نوشته بودند در این اوقات چندک
دیوانه در شیراز بهم رسیده و جمعی را گرفته و زخما
کرده بودند چون در میان اهل آنجا شهرت داد که هر
سک مارگزیده باشد زیارت مشهد المثنی که در
بیخ منتری شیراز است برود برای او افاقه خواهد بود
لیندا جمعی را که سک مارگزیده بود زیارت آنجا
عازم شدند و سکهای دیوانه را بهم کشیدند

قره‌بین و قسم ازین ولایات نیز درین
هفته اخباری رسیده است

کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته اند امور
آنولایت از اتهامات عالیجاه محمد حسن خان حاکم
آنجا قرین انتظام است و عمده امانی آنولایت
در عین اسودکی و فراغت مشغول کار و کسب
خود و بدعا کوئی دانت اقدس همایون شایسته
اشتغال دارند

دیگر نوشته اند که حاجی محمد تقی نام کاشانی که از
متمولین آنولایت و صاحب بیت هزار تومان
متجاوز دولت و کنت است پسری داشت بسیار
فقیر ولی چیز عیال و ارحامی با کثرت عیال بود و
گذران میکرد و با وصف اینکه پریشانی و آسودگی

پدرش مطلقاً و معاشی باو نداد این او خانه
زیاد حاصل شده و نیز پدرش رفته است
کرده بود که چند روز است عیال من گرسنه اند
بقوت لامیوت قادر نیستم در عالم پدر فرزندی
لدا عاتی بن بکن مشارالیه علاوه بر آنکه پدرش را
رعایت و عاتی نگردیده بود آن بیچاره را بسیار
زده و رنجانده نویسد و ما یوسس از خانه بیرون
کرده بود پس در نیز از خانه پدرش بیرون
از شدت دلتنگی بدکان عطاری رفت قسم
گرفته خورده و بقا صد دو ساعت زندگ
برود کرده و در گذشته بود

کردستان و کتروس و کرمان
ازین ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده
کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امور آنولایت
بهر جهت قرین انتظام و انضباط است و رعایا
و برابرا اسوده خاطر هر کس کار و کسب خود
میباشد و از قراریکه نوشته بودند در این اوقات
بارندگی بسیار خوب در صفحات کرمان شده
و رعایا و زراعت کاران از این معنی کمال شکر گزاری
دارند

گیلان و مازندران و طایر و نهاوند و
و نیز در این ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده

۱۶۶۱

اخبار دول خارجی

از قراریکه در باب عمارت بلور پاریس نوشته
 بودند در وقت کشف شده شدن عمارت مزبور
 از جمله و کلاوسفر با بنجاد عورت صیاف شده و
 علیحضرت امیر الطور فرست خود بعمارت مزبور
 آورده اند و کلاوسفر معتبرین دول دیگر
 بقدری هزار کس بجهت تماشا بعمارت مزبور آمده
 بودند و علی التفصیل عمارت مزبور و تفاسیر
 و امتعه که از اغلب ممالک روی زمین با آنجا
 بوده اند تماشا نموده و بسیاری صاحبان صنایع
 و هنرمندان که صنایع بدیعه و بدایع غریبه با آنجا
 آورده بودند در خور هر یک از جانب امیر الطور
 دولت فرانسه العام داده شده و علیحضرت
 امیر الطور از جمله مکالمات که در عمارت مزبور نموده
 این بوده است که بجهت کمال شکر گذاری داریم
 از اتفاق دول او رو پاکه مبنی بر حصول این تمام
 و از اینکه از هر طرف رنج سکون امتعه و اشیای
 صنایع و ارضیه بعمارت بلور که درین دولت کشف
 شده است آورده اند و از هر طرف حمیلی اشخاص
 سیر و تماشای عمارت مزبور آمده اند دلیل
 بر حصول این کمال و استراحت و اندوه دول او
 و از درگاه قاضی الحاجات مستدعی از دیار ارام
 و امنیت و رفاه حال کل اهل دول متفق میباشد

۱۶۶۲

و بعد از تقریر این مکالمات حکم به استقامت و برچیدن
 و برواشته شدن عمارت مزبور نموده بودند
 و بیکر نوشته بودند که پادشاه سار دینا از شنیدن
 حرکت و ارزاه مارسیلیا بگشتی سا رخانه تولون
 رسیده و از آنجا عزیمت پاریس نموده است و در
 همین حرکت از دولت خود عمورزاده خود در سن
 بجای خود وکیل نموده و در حین رسیدن بمبار
 و تولون از نامورین دولت و ملت فرانسه
 با استقبال آمده لوازم احترام را در هر باب معمول
 داشته اند و در حین وصول پاریس علیحضرت
 لوی ناپلیان امیر الطور فرست از جانب خود
 پرس ناپلیان را با عا کر خاصه با استقبال
 فرستاده عا کرد و طرف صف نظامی کشیده
 و کمال احترام را بجهت آورده اند و مالی شهر پاریس
 صیافت میکنند نموده و علیحضرت امیر الطور فرست
 در آن صیافت تشریف فرما گردیده لوازم حسن
 سرور و چراغانی بجهت آورده اند و احترام مالی که بجهت
 پادشاه انگلیس در وقتی که پاریس رفته بود
 معمول داشته بودند در حق پادشاه سار دینا
 نیز معمول داشته اند و بعد از آنکه پادشاه سار دینا
 از پاریس بگشت لندن پای تخت بگشت حرکت کرده
 اهل پاریس تا بسره راه آهن ضعیف و کبیر الوازم مشا
 بجهت آورده اند و در وصول مشارالیه بولایت بگشت

v

<p>ارباب مجربزه و درایت را الزم دیده اند برادر خود جناب عبدالحکیم پاشا را از جانب خود مرید استجا برقرار کرده است که بحسن کفایت و خوش رفتاری مشغول انتظام امور و ازدیاد آبادی گجا باشد و همچنین جناب ادهم پاشا ناظر امور خارجه نیز بجا فطرت مصر و نظم امور استجا مامور نموده است</p>	<p>جناب پادشاه انگلیس نیز امنای معتبره مامور گردیده و احترامات کوناگون در باره او محرمی داشته اند و در ورود بلندن نیز اجزای شیک نموده و بدفحات صیافتهای شایسته سپه مشایخ نموده اند و از جانب پادشاه انگلیس نشان معتبری که پادشاه میباید از مرتبه اول در جمعیت کبری سجد پادشاه سار دینا اهدی شده بعد از انوار</p>
<p>دیگر نوشته بودند که ارگشتههای تجار تی دولت و آنکه یک کشتی بجهت وقوع طوفان در جلوات غرق و سگسته شده اما لی کشتی مزبور با تخته مکاتب سلامت با صل در آمده اند و ما بقی با کشتی مزبور غرق شده است</p>	<p>مکرمیات پادشاه سار دینا از لندن حرکت و هم از راه پاریس بمقر ولایت خود معاودت نموده است</p>
<p>هم چنین بموجب اخباری که از قلاص مر سعادت بموسط کشتی سنجار که حامل مکاتب چا پاری است بود در وقوع طوفان چند وقت پیش ازین در جامای دریای سیاه خرابی کشتیها روی داد از کشتیها یکی در بنغاز سینه لنگر انداخته بوده چهارده قطعه کشتی دول خارج بعضی غرق و سگسته شده و بعضی بکل نشته و سقط گردیده است و از اما لی کشتیهای مزبور و سیاهان بعد چهار نفر غرق و هلاک شده اند و از آنجا هم که با صل رسیده بوده اند از دو بر کجه بوارنه که می آمده در بین طوفان مزبور از سفاین سنجار اسوج چو دان</p>	<p>در باب راه آهن که از اسکذریه تا مصر درست کرده اند سابقا در روزنامه نوشته شده بود در قرار روزنامه ریح الثانی که در این اوقات جناب سعید پاشا در نزدیکی پل بنای مهوره تازه گذاشته است موسوم بعیدیه و از راه آهنی که درست شده است بمهوره مزبور نیز که بعد و در میان مسافت است راه آهن درست میمانند و جناب سعید پاشا همت بر ازدیاد آبادی و انولایت گماشته و روز بروز در صد و کثرت آباد و فورجیت آنجا باشد و همچنین بلاد سودان را بجهت و آوردن بدایره شهرت اسباب مهوریت حصول آسایش دانی و استکمال آنها را مطلوب و مستلزم دانسته و ببلاد مزبور تعیین کلی از</p>

۱۶۶۳

یکی با روجه اش در یک زورق و سایرین در
زورق دیگر نشسته با حل می آمده اند و زورقها
بسرعت میرانند اما سایرین که با حل رسیده
زورق خود را در روجه اش را دیده بودند که
مشرف بفرق شدن است دوباره بجهت تنگنا
او معاودت کرده بودند ناگاه هر دو زورق
از شدت امواج مانند کوهی خورده و غرق
شده اند

و همچنین در طوفان مزبور در پیشگاه کوزلوه شب
قطعه کشتی سنجاری شسته و تلف شده
و هم در آن اوقات چهار ساعت و نیم از شب
رفته در در سعادت اسلامبول و حوالی انجارد
اتفاق افتاده بود

و همچنین در طوفان گذشته در بحر سفید سوای کشتیها
دولت فرانسه که غرق شده بود و نوشته
سه قطعه کشتی نیز از سنجار غرق و تلف گردیده است

دیگر از قراریکه در جریده امحادث نوشته بودند
از زردانی یونانستان بقدر رحیل نفوذ در پنجم
ماه ربیع الاول از جزیره موریه بزور قهالت
با غریبوز کشته یک کشته آنها مکانه موسی
بودر سک قائم مقام آن بلده را محاصره کرده
و دسته دیگر مسلح و مکمل برون رفتند

طلا و نقره و وجوه نقد و جواهرات هر چه دیده اند
نیامد و غارت کرده و کجینا مس اوی پانصد شصت
گیته تنخواه برده و علاوه بر آن بقدر سه ساعت
در مکانخانه شسته اکل مطبوخات و شرب سکر
و قمار بازی کرده اند و سپه و دختر بودر سک مزبور
و دو نفر از کسان او را با حکمی که آنجا بوده است
برده اند و بجهت استخلاص آنها پیغام فرستاده و
یکهزار و پانصد کیسه وجه نقد طلب کرده اند این کذا

بجانب حکومت یونان اجبار شده بجهت استخلاص
و بدست آوردن دزدان مزبور یک قوسون
مشخص کرده اند همین قدر کشتن دزدان مزبور
با غریبوزه دو ساعت از شب گذشته معلوم شده

و در آنوقت دکاکین باز بوده و تمام مکانها مزبور
در پنجاه شصت جا قراول بوده است مع ذلک
دزدان مزبور با نظور با سنجار بسیار محل تعجب است
و بدست آمدن آنها نیز با وصف این حالت

امری مشکل مینماید
دیگر نوشته بودند که در مالک مجتمع امرکا از جانب
دولت استریه یک کشتی سنجار شرع دار که مثل سایر
و صد و بیست توپ می کشد و خرج سنجارش زور
اسب دارد تازه ساخت شده وارد دولت
فرانس نیزه و قطعه کشتی سنجار شرع در در انجا
درست می کنند

۱۶۶۴

روزنامہ وقایع اتفاقیہ پنجشنبہ بروز جمعہ ۱۲ صفر ۱۳۷۲

منطقہ دارالخلافہ طهران
قیمت اعلانات
ہر خط پانچ ماہ



نمبر پست و نقد دو
قیمت روزنامہ
ہر نسخہ دو شاہ

اخبار داخلہ ممالک محروسہ ہندوستانی

دارالخلافہ طهران

چون در این اوقات هوای دارالخلافہ طهران کمال
علامت و اعتدال را وارد لہذا در روز یکشنبہ
بیت و پنجم این ماہ اعلیحضرت امیر کبیر علیہ السلام
شاہنشاہی بعد از نماز عزمیت تفریح باغ لاله زار را
فرمودہ تشریف فرمای باغ مزبور کردین بعد
تفریح و تماشای آنجا ببارک مبارک کہ سلطان
معاودت فرمودند

ملوکانہ آمدہ بحسب صدور فرمان ہمایون باعطای
لقب خانی و یک طاووس مال ترمہ برسم خلعت سرافراز
کردید

عالیجاہ مقرب الحضرة العلیہ میرزا عباس قاسمی اول
وزارت امور خارجہ کہ وائماشب و روز سفر احضرا
مشغول خدمتگذاری است و آثار قاعدہ دانی و کفایت
و حسن اہتمام و غیرت را بطور آوردہ و می آورد و
وقت انعقاد عہد نامہ مبارک منعقد ما بین دو دولتین

دو نسل نیز شواہد مراقبت و مکاتبت را بطن آوردہ
و در موارد زحمات و خدمات لقب و شہرت را بر
استراحت مقدم دارد لہذا مورد احترام ملوکانہ آمدہ
بر حسب فرمان ہمایون باعطای لقب خانی و یک قطعہ
نشان شیر و خورشید از مرتبہ اول سرسنگی و گاہیل
سفید قرین مہابات کردید

عالیجاہ حاجی میرزا محسن کہ از بہر و چاکری این دولت
علیہ در موارد خدمات و زحمات آثار کار دانی و
بطور آوردہ خصوصاً کہ در اجزای سفارت کبری اتفاق
جناب عن الامراء العظام سیف الملک غیاث علیہ السلام
میرزا علی کبیر دولت علیہ نامور دربار دولت
بہر دستبہ شدہ بودند شواہد صدق و محاسن
رفتار را بطن آوردہ جناب معسری الیہ از نظر سلوک
و قاعدہ دانی اور رضامندی کردہ مورد توجهات

از وقتی کہ عالیجاہ میرزا عبدالحسین خان اجودان
امور خارجہ جناب است اول سفارت اسلامبول ما مورشد

۱۹۹۵

از روی صداقت و قاعده دانی در خدمات محوله
 بجز در جوهر کار دانی و مراقبت را بطور آورده مرتب
 اتهام و موافقت او معروض پیشگاه حضرت دستگاه
 خسروانی آمده مورد عنایت ملوکانه گردیده بر حسب
 فرمان های یون با عطای یک قطعه نشان شیر و خورشید
 از درجه اول یاوری عالیجاه مشارالیه قریباً
 آمد

مشارالیه بود و محاسن اتهامات خود را در خدمات
 مرجوعه پیش ایشان ملحوظ و مشهود خاطر اقدس عالیجناب
 دارد

در این اوقات برب اذن و اجازت اولیای
 دولت جاوید مدت علیته عالیجناب حاجی سید بهلول
 چاوش باشی محل تجه الاسلام سببه و حجاج درازباز
 که معظه اعلام نموده جلعت هر طلعت های یون نیز از جانب

چون موافق احکام اولیای دولت قاهره سابقاً
 در روزنامه نوشته شده بود که حکام ولایات نزدیک
 دارالخلافه در شبهای عید برکاب های یون آمده در
 سلام عید از زیارت آستان های یون شرفیابی
 حاصل نمایند از جمله حاکم اصفهان بود لکن نظریاً
 نواب و الاحشتم الدوله حکمران اصفهان چهارچهار
 از سال گذشته رفته بودند از آن جهت مخصر فرمودند
 که نواب معتمدی الیه درین عید سعید نوروزی بجا
 در مقر حکومت خود بوده بلواری جشن عیدی اقدام نمایند

سنی ایجاب اقدس عالیجناب با در محنت گردیده
 حرکت حجاج با عالیجناب مشارالیه در بیت و دویم
 جمادی الثانی از راه آذربایجان و شام خوجه
 صنایعی که در دولت علیه ایران ترقی کرده است
 چند فقره در روزنامه نوشته شد در این اوقات
 حاشیه ترمه که کارشال بافان کرمان بود و سبب
 دولت علیه رساند بسیار خوب و سبکین بافته
 بودند که با حاشیه خنجر علی بن ابی طالب فانی تمیز داده
 نمی شد و درعی و تومان و پنجه از قیمت میکردند

چون مقرب انخافان عین الملک شهباز تا دو سه ساعت
 از شب گذشته بجهت رساندن شام مبارک در کاخ
 مبارک که توقف داشته متحمل برودت هوای مستان شمی
 بلاخطه ظهور حضرت ملوکانه در باره مقرب انخافان
 در این اوقات یک ثوب خز قه از بلبوس خاص بدن
 با در محنت فرمودند که سبب مزید مفاخرت و دلگرمی

چون عمده الامراء العظام متوب انخافان مجر خان میرنجه
 بدایت احوال الی اکنون در این دولت جاوید بلیت مصید
 و منشا خدمات عمده گردیده مراتب فرط کفایت و صداقت
 خود را بطور شایسته در پیشگاه حضور علیت شایسته
 ساخته بود و بعد از آنکه منصب میرنجه کی سرور از دست
 خدمات محوله خاصه در انتظام امور مدرسه و انجمن

۱۶۶۶

و اینکام در تربیت متعلمین کمال مراقبت حسن شد
 خود را نظایر ساحت باقتضای رای جهان آرا می نماید
 اعلی حضرت شایستهی منصب امیر توفانی بعلاوه خیرال
 احوال و انی خاصه جمالیونی و انتظام امور مدینه و اراغون
 سرفراز شد که همواره از روی صداقت پلوت
 معات عساکر منصوره نظام را اعم از فترین رجا
 ظرافت با یا مورین ولایات و سرحدات متوطن
 و مخصین خانه بعضی خاک پای جمالیون بریند

سایر ولایات

افزاید ایچان از فراریکه در روزنامه ادربان
 نوشته اند امور انولایت از بهر جهت قرین انتظام
 و نواب مستطاب شاهزاده والا تبار حضرت اله
 و معتقد در بار سپهر احشام مقرب انخاقان قائم مقام
 کمال اهتمام در انتظام امور ولایت و رفاه حال
 و رعیت دارند و عموم مالی انولایت در عین
 و فراغت بدعا کونی ذات اقدس جمالیون شایسته
 اشتغال دارند

دیگر نوشته بودند که افواج احضاری دار الحکله
 مبارکه در موهده یکبار شده بودند در تبریز حاضر
 مواجب سه ماهه ثانی هر کدام که مانده بود بفاصله
 و روز در اطاق نظام داده شده و در غره ماه
 جمادی الاولی که فوج خاصه روانه در بار جمالیون
 بودند معتقد در بار سپهر احشام مقرب انخاقان

قائم مقام میان فوج رفته از خانه و کسان و باز
 ماندگان ایشانرا اطمینان داده و مسلح یکصد توپ
 نیز بفرج مزبور العوام نموده روانه در بار جمالیون
 شدند

فوج مخبران شقای چون در سمت نیانج بودند
 و اگر نیز بر می آمدند فوجی طول می کشید مقرر
 کردید که فوج در سیانج حاضر گردند و نخواهند
 ثانی آنها بجایگاه فاسم خان سرتیب داده شده
 که در سیانج سرباز داده شود که روانه گردند و در
 چهارم ماه جمادی الاول عالیجاه مشارالیه روانه گردید

بعد از آن فوج حضرت ابوالکحبی عالیجاه محمد حسین خان
 سرتیب آمدند و مواجب سه ماهه ثانی آنها نیز در
 اطاق نظام باستحضار شکر نوبیان عظام پرداخت
 شد که در دهم ماه مزبور روانه گردند
 و همچنین فوج مراده ابوالکحبی عالیجاه اسکندر خان
 حاضر شده مواجب آنها نیز پرداخته شده
 مقرر کردید که در پانزدهم ماه مزبور روانه گردند

فوج بجا دران ابوالکحبی عالیجاه آقا جانشان سرتیب
 نیز حاضر شده در شانزدهم ماه جمادی الاول
 عازم در بار جمالیون شدند

و همچنین پانصد نفر سواره چهارم و ولی ابوالکحبی عالیجاه
 پرویز خان سرتیب در چهاردهم ماه تبریز رسیدند

۱۶۶۷

و در اطاق نظام سان داده در پانزدهم ماه
روان شده و نظر باینکه اغلب سوارهای بیجا
شارانیه خوب و اسبهاشان فربه و بسیار
بسط آمد معتمد دربار سپهر حشام مقرب انخافان
از جانب اولیای دولت علیه یک ثوب جتبه
ترمه بجایگاه پرورخان خلعت داد

در فرستادن افواج و سواره مأمور از وزیر که
نوشته بودند معتمد دربار سپهر حشام مقرب انخافان
قایم مقام کمال اتهام و کفایت را ظاهر ساختند
در مدت یکماه شش فوج و هزار سوار را با تدارکات
شایسته روانه دربار تالیون نمود و علاوه بر مویز
سریپ و سیرکان بهر یک سصد تومان و باغچه
تومان بجهت اخراجات از خود داده آنها را با اوقاف
از تبریز حرکت داد سابقا اگر یک دو فوج
می شدند آفتاب چهل پنجاه روز طول می کشید که
آنها دیده شود و علاوه بر آن چیکاران از بانه
عیالیت رهین منت تجارت دهند و خارج شده
تخواه قرض نمایند و نفع بدهند تا یک فوج یاد خود
توانند براه نهند در این اوقات بحسن اتهام
مقرب انخافان قایم مقام بی آنکه تخواهی از کسی
افواج و سواره با تدارکات تمام در کمال
و انتظام روانه دربار تالیون

و دیگر نوشته بودند که در شب پانزدهم ماه حجب که

جواهر و اسباب و وجه نقد در میان آن بود از آنجا
عالیجاه محبت مسراه طامین صاحب نایب اول خان
وزیر مختار دولت بهیسه نخلیس برده بودند عالیجاه
اقا خان که خدا در شش ساعت شب مخبر شده
صبح مراتب را بمعتمد دربار سپهر حشام مقرب انخافان
قایم مقام اظهار و بمقرب انخافان محمد رضا خان
قدغن اید شد که اموال مسروق را پیدا نماید و او
بکده خدای فرور تا کید زیاد نموده مشارالیه رضا
نامیرا که گمان هرزگی و سرقت باو میرفت و منزل
انگلیت بهایز آمد و رفت داشت خواسته بکلامت
و نوید مطمئن کرده و او پرور داده بود که ابوالقاسم
طهرانی نوکر عالیجاه طامین صاحب جمعه فرور را
سرقت کرده و بمن داده است که در جانی بهمان
قایم و حجب را حاضر کرده مقرب انخافان قایم مقام
بیزد عالیجاه طامین صاحب دستاوه قبض
در یافت کرده است و در میان حجب قدری جواهر
و سید تومان وجه نقد و بعضی نوشتجات
دولتی بود در رضا نام محبوبس و ابوالقاسم
که مرکب سرقت شده بود مقرر شد که در اول
فوج قهرمانیه جمعی عالیجاه علیستی خان سریپ
و از اخلاص طهرانی نمایند

و دیگر نوشته بودند نظام نام و خوارقانی که از حمله
اشرا بود و یک ضعیف را غنای برده و دو ماه کاه

و دیگر نوشته بودند نظام نام و خوارقانی که از حمله
اشرا بود و یک ضعیف را غنای برده و دو ماه کاه

۱۶۶۸

بود مقرب الخاقان قایم مقام مدتی بود او را در
بهریر محمودس و یکدفعه نیز تباریانه سببه بود چون
سبب شریرو فی الحقیقه این عمل از او زیاد هجدا
لمذ انواب مستطاب شاهزاده والاتبان نصره الله
دست او را با یک دست علی صوفیانی که آنهم از دردا
مشهور بود حکم بقطع کردند

اصفهان و اسدابو ازین ولایات
درین هفته اخباری نبود

اسدابو از فراریکه در روزنامه استرآباد
نوشته اند امور اولایت از اهتمامات مقرب الخاقان
جعفر قلیخان اینجانی نهایت انتظام را دارد و او را
آنجا در بر باب مرتفع الحال و سوده خاطر میباشند

دیگر نوشته بودند که در سال گذشته چهار نفر
شاد و لوبو و اکری بیان طایفه میوت رفته بودند

چهار نفر ترکان آنجا را بجهله برده در جنگل مقتول
کرده بودند وراثت مقتولین در این اوقات آمده

مراتب را مقرب الخاقان جعفر قلیخان اینجانی عرض
کرده بودند اینجانی نیز فرستاده قایلین را حکما

از طایفه میوت خواسته بود آنجا نیز هر چهار نفر را
با دوازده رساسب و یک شتر نیز د اینجانی

آورده مستدعی بخشیدن قایلین و دادن جو
شده بودند مقرب الخاقان مشارالیه نیز قایلین را
سختیده و بیکه از طلا که هر طلایی با اصطلاح ترکان

استخاست هزار دینار میسببا خون بهای مقتولین را
فرار داده محصل بیان این مبرور رفت که وجه مبرور
وصول کرده بورات مقتولین برساند

و همچنین چهارده نفر از اکراد و میان ترکانان سپرد
بعد از آنکه مقرب الخاقان اینجانی حکم باستر داد اسرا
آن چهارده نفر را نیز مطلق العنان کرده به بجنور و فرستادند

و از سایر اسرا نیز تا کنون نود و چهار نفر بدفعات او
تسلیم اینجانی کرده اند و مقرب الخاقان مشارالیه

نیز ریش سفیدان میوت را خلعت داده و بجهله
امنای دولت علیه امیدوار کرده آنها نیز تعهد کرده
نموده اند که بعد ازین مطلقا از آنجا خلاف قاعده
نمانند و صا ورنشود

پروچرو و بسطام ازین ولایات نیز درین
اخباری رسیده است

خراسان از فراریکه در روزنامه خراسان
در ششم جامدی الاول ذاب مستطاب شاهزاده والاتبان

حاکم سلطه و مقرب الخاقان قوام الدوله وارد
ارض اقدس گردیده اند و بعد از زیارت روضه

عسکر که بارک رفته و عیال مرحوم با فرار اسراستی داده
امور اولایت شده و در دوزخیم مبرور نیز خلعت تمام یون با نجات و وصول

انگه لوازم استقبال و احترام اهل درویش برودش خود کرده او ایستاد
و شاد در این سراسر آنها و بگردید است و در امر و عارف
و قزوین هم و کاشان و کاشان و کاشان و کاشان و کاشان

۱۶۶۹

اخبار دول خارجه

از قرار روزنامه که چند وقت قبل ازین نوشته اند در اروپا که عبارت از فرنگستان باشد چهل و شش حکومت مستعده بالفعل موجود و کار است از اینها دو پادشاه از سوان و چهار امپراطور و سیزده قرال و بیست و شش خاندان و یک پاپا که بزرگ مذہب کتولیک عیسوی است حکمرانی دارند آنکه از همه پیر تر است خاندان ملکم بورج است که بمقداد و شش سال دارد و جوانتر از همه خاندان و ق پارمه است که هوز از سال تجاوز نکرده است و از حکمداران شالمیم

یکی در شصت و نه سال قبل ازین تحت حکومت نشسته و تا کنون بمسند حکمرانی ممکن است و از آنجا و بعد خاندان مودنه بمقداد و چهار سال است و هوز مسندار می رسد استقلال شده است و سایرین در حالت دوق و رنس بودن عبارت از حکومت شده است و اینها غیر از حکمداران دقل یکی نیست که اینها و دیگر نوشته اند که راه سیم حرخ التسی که از وزارت بسمت فرم در زیر دریا بر او خرچ سیم او رو پا متصل کرده بودند بجهت شدت طوفان که چندی قبل وقوع یافته بود سیم مزبور پاره شده است و عوض آن از آنجلیس فرار گذاشته اند که سیم تازه آورده ممتد و متصل نمایند

۱۶۷۰

دیگر نوشته بودند که از کشتیهای تجاری دولت فرانس یک کشتی سمیت فاسس میرفته است در یک لشکرگاه لشکر انداخته و هوا هم ملایم بوده است اهل کشتی با هم بسیار خوب اعلی در دریا دیده بودند بزور همت نشسته و لشکارهای رفته ماهی بسیار صید کرده و در کشتی مزبور یک شب مخصوصاً ضیافتی نموده از پنجاه و هفت نفر که در آن ضیافت نموده چهل و دو نفر است مسموم و فجأة فوت شده اند چو در آن کشتی و سایرین که سبب مشغولی ضیافت گوشت ماهی کم خورده بودند ندیم جانی سلامت در برده

دیگر نوشته بودند که در نزدیکی سمت رنوه در این اوقات بخزیره قورسیعه علی التوالی بارندگی شده و زیاد از دوازده روز سیل بسیار جاری گردیده بسیاری از آنجا را خراب کرده است چون جزیره مزبوره در زیر حمایت دولت فرانسه است از جانب دولت مزبور همت بر تدارک خرابی جزیره مزبوره مصروف گردیده است

دیگر نوشته بودند که اعلیحضرت امپراطور فرانس از منوبان اعلیحضرت پادشاه انگلیس جناب ده قاصبح را انضیافت پاریس دعوت کرده بودند و در این اوقات جناب شارل دے بریت اعلیحضرت امپراطور فرانس عنایت پاریس را دعوت

۷

<p>و کردن علیجده و بی پنج قسم قیمت آن شخص گردیده فقر او اما از قسم قیمت نازل مسکنند و از کوشتی که مخصوص اغنیاست در این قسم نازل هم بمیرسد از آنچه عموم اغنیاء کمال رضاست ازین قرار داد دارند و فی قضا با معنی رضی نیستند و انهارت می نمایند</p>	<p>سابقاً غزیت علیحضرت امیر اطور استریه ترتیب نوشته شده بود اما سبب رفتن علیحضرت امیر اطور را با بنجام علی تحقیق نموده بودند و محکم مسطور بود که بجهت سیر و تماشا بشهر مزبور غزیت نموده است لکن از قرار روزنامه که در این اوقات رسید برادر علیحضرت امیر اطور جناب مقیمان</p>
<p>دیگر نوشته بودند که در ایالت وارثه در قریه شالی یک فانوس بجهت روشنائی ساخته در تیب داده اند شبها که روشن مینمایند تا بیت و پنج میل در دریا روشنائی میدهند و این معنی زیاد سبب رفاه و استخوان آسانی کشتیها و لنکرگاهها شده است که کشتیها که در آن حوالی عبور می کنند بزوشنائی فانوس مزبور مقصد و لشکرگاه میرسند و راه را کم نمی</p>	<p>که بزرگ لشکر سحری بود در شهر مرتبه در سبزی که در کالک نشسته و عبور میکرد است آنها کالک که مزبور از سیاهی رم نموده و مشا را لیه از کالک که بر بزین خورده و حبیبی زخمی شده است علیحضرت امیر اطور استریه از استماع این زیاده متأسف گردیده و بجهت عیادت و احوال پرسسی و نقد جناب مشا را لیه بشهر مرتبه رفته بود</p>
<p>دیگر نوشته بودند که جناب دولت استریه جناب ارد بروش در این اوقات سفارت دولت عثمانیه نامور استامبول گردیده بحضور علیحضرت سلطان واعتماد نامه خود را خدمت سلطان داده مورد اتفاق گردید و سفیر سابق دولت مزبور جناب موسیو قور نیز خدمت علیحضرت سلطان شرفیاب و آن مرضی حاصل نموده کشتی بخار الیزه به نام سوله بهمت تارسیلیا عازم گردید</p>	<p>دولت بیچفا چون بقی بر این کشتی و لنکرگاه اند در این اوقات یک مجلس قومیون تشکیل داد و ولعهد دولت مزبور رئیس آن قومیون گردیده و از چند کشتی بخار و غیره داده اند میان و االفه مخارج آنرا در قومیون مزبور کرده اند</p>
<p>دیگر نوشته بودند که در پاریس هر قسم از نجوم علاقه تقسیم شده قضایان میفرستند مثلاً کوفه و کادوران و کستاپای او علیجده و</p>	<p>دیگر نوشته بودند که در پاریس هر قسم از نجوم علاقه تقسیم شده قضایان میفرستند مثلاً کوفه و کادوران و کستاپای او علیجده و</p>

۱۶۷۱

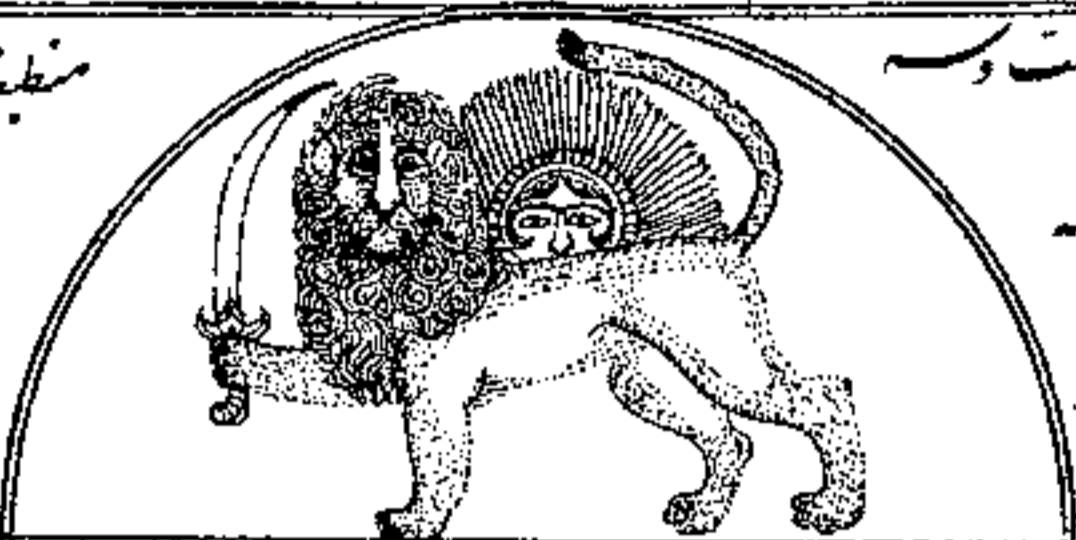
در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسوی چاپ میزند نوشته است
 که در این روزنامه در یکی از عمارت سلطانی که منسوب به امپراتور
 اساس و اوضاع جشن فرانسوی و تشریفات آن
 با معنی که دلیل بر اتحاد و ولایت فرانسوی و عثمانیه بود
 معمول گردید جشن مزبور باین سبب بوده است
 که اعلیحضرت امپراطور فرانسوی نسبت بدول متخاصم
 علامت بزرگی که امارت یگانه و اتحاد است اهدی
 میاید خواست مراتب دوستی خود را با اعلیحضرت سلطان
 دولت عثمانیه که در احوال حاضره حال دو سال است
 روی حمایت و موالات را ای قسم کان مرعی میداند
 با علامت جدیدی ظاهر سازد لهذا بدستگیری
 سفیر دولت خود که مقیم اسلامبول است نشان خود را
 از درجه اول بانضمام حمایل با کاغذ دستخط خود که محتمل
 بر کمال مواعدت بین الدولتین است ارسال داشته
 عشره و اخر ماه ربیع الثانی یک ساعت نظر ماند کامل
 که حجری کنند احکامات سلطانی است با کمال
 ایشیک آقاسی سفیر المبتسلیاس رسی با چهار
 کالسکه دولتی یکی چهار اسب و مابقی دو اسب
 چهار نفر از اجود انهای خود لبغا رتخانه فرانسوی
 مأمورین سفیرش را لیه را با تمامی اجزای سفارتخانه در
 پذیرفته با احترامات لازمه بدین سلطانی آوردند و در بالا
 پله عمارت مزبور مشیخت باشی و تبریم اول جناب سفیر را
 پذیرفته و با طاق استظاری راهبری نموده و در اطلاق مزبور

۱۶۷۲

جناب وادپاشا وزیر امور خارجه سفیر مزبور را با
 لوازم یکاکی ولتین پذیرفته بعد از صرف قهوه و شکر
 با اتباع سفارت محصور سلطانی در حسینی که اعلیحضرت
 سلطان طبتس بیاسی که در حسین روزگار رسم است
 شرفیاب نمود و جناب علی پاشا صدر اعظم سلطان احمد فتحی پاشا
 و اماد و امیر توپخانه محمد علی پاشا وزیر بحری و داماد و علی غایب پاشا
 و اماد و معیر الممالک محمد شادی پاشا و سایر رجال دولت و روسای
 مشورتخانه در حضور سلطان بود جناب سفیرش را لیه نشان
 و نامه دولت فرانسوی را بشخصه بدست سلطان داد و باین
 مضمون بنام معروض است که امپراطور ولی نعمت من
 بزرگترین و بهترین مأموریتی بمن محول فرموده که عبارت
 از سپردن بدست حضرت سلطانی نشان و حمایل
 و نامه دولت فرانسوی است و این اول علامت طور
 کمال محبت و موالات اعلیحضرت امپراطور فرانسوی
 اعلیحضرت سلطانی است که اینگونه مبرهن و سخنان
 اظهار شده و بعد ازین تسایح موالات و یکاکی
 دولتین بهتر آشکار خواهد شد و من باین مأموریت افتخار
 تمام دارم اعلیحضرت سلطانی نیز در جواب تقریرات جناب
 سفیر فرمایشات دیدر که شایسته تاجداران
 ممالک است تقریر فرموده بعد از طی مکالمات محبت
 این جناب سفیر و اجزای سفارتخانه با همان احترامات
 سفارتخانه خود معاودت نمودند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم بیستم شهریور ماه سی و نهم سال ۱۲۷۲

منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
هر سطر پنج شاهی



مذبح ولایت و نصرت
قیمت روزنامه
هر نسخه ده شاهی

اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

ما ۲ ماه گذشته در میدان ارک حاضر گشته
سرکار اعلیحضرت اقدس بایون شریف فرمای
میدان مزبور گردیده احاد و افراد فوج را ملاحظه
فرمودند چون کمال آراستگی و انتظام را در آن
مورد تحسین و التفات گردیدند و مبلغ یکصد
مانجا انعام محبت گردید

نظر باقصای طابت و خوبی هوای دارالخلافه و اطراف
در روز چهارشنبه ششم جمادی الثانی اعلیحضرت
شاهنشاهی دامت شوکت عنایت کت و تفرج فرمود
بیت دو شان به تشریف فرما شدند و سوار
نظام در آنجا صرف نظامی کشید بنظر ملاحظه اثر خسر و
رسیدند و مشق حرکت نمودند چون کمال آراستگی
و انتظام را در آنجا مشاهده فرمودند و چون
حاضر ملوکانه افتاده مورد التفات گردیدند یکصد
تومان وجه نقد سواره مزبوره انعام و بدو نفر
معلین آنها هر یک یک طاووس شال خلعت محبت
گردیده حوالی عز و ساقاب مبارک مبارک
سلطانی معاودت فرمود

و همچنین فوج مخبران جمعی عالیجاه تا سخنان
و فوج مراغه جمعی عالیجاه اسکندرخان سرتک که
شده بودند در روز ششم این ماه بهر فوج
در میدان ارک در کمال آراستگی حاضر شدند سرکار
اعلیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی میدان
ارک تشریف فرما گردیدند و ملاحظه احاد و افراد
هر دو فوج را فرمودند چون نهایت انتظام را در آن
ریا ده مورد التفات گردیدند و انعام ملوکانه در حق
مبذول آمده فرمایش ناموریت آنها بجل ناموریت گردید

فوج اول خاصه شریفیه که احضار بر کباب بایون
شده بود و در دو بار بایون گردیده و در

۱۶۷۳

<p>در کارتهای ششم و هفتم صفه المنظر تفتیس نشانیات احتراما یک از جانب کارگذاران دولت بهتدیه روئسته جناب عمده الامراء العظام مقرب انخافان سیف الملک عجاستیجان میرنجه المچی کبیر دولت علیه یا موردی دولت روسیه در سکام ورود سرحد و ورود لعل آورده اند کارشناسی یافته در روز حرکت جناب ز قتلیمس که بیتم صفه المنظر بود جناب کنیاز بهدو بالباس سی در منزل جناب المچی کبیر حاضر بود عوزرنا طور یعنی حاکم شهر و جنرالهای بزرگ و عموم صبا تا یکفرنج خارج شهر شایسته آمدند و مرحت کرد تا عالیجاه ناچالیک یعنی کارگذار شهر و بلوکات و یکفر اجودان جناب کنیاز بهدو و با تفان جناب معزی الیه تا آخر خاک تفتیس آمدند بهر قصد و محالی که ضابط و کارگذار انجا با صا جنمنصیان همی سواره با میآمدند ناچالیک سابق و سوار با احترام امان خود راحت میکردند و در شهر و لادی قفقاز و استاورا و نوچرکس و وارانیته و طولاکه شهرهای بزرگ است کفرنج بشهر آمده عالیجاهان عوزرنا طور و جنرالهای و صا جنمنصیان شهر با استقبال می آمدند و از رعایا دولت ایران برسم ایرانی قربانی می کشند و بعضی جانا مالی و بعد دولت بهتدیه روسیه نیز تاشی اعده میروند و قربانی می کشند دسته سواره نفسی مستحقین سواره شهر و فوج با بیدق موزیکچی</p>	<p>در جمیع مالی شهر با استقبال می آمدند فوج پیش فکس و بیدق را احترام کج می نمود و طبیب و شیور و موزیکان و صا جنمنصیان آنها از جنرال و یو لگو نیک و غیره برای تحویل رسوم احترام با شمس سلام نظامی میکردند جناب جنرال کور بوس در استاورا پل که سردار نشتاد هزار قشون است جناب جنرال اتامان در نوچرکس که سردار یکصد هزار قشون و فرماندهای ملک دون و نوچرکس است هر اسم پذیرائی و احترام فوق معمول داشته در روز ورود دیدن کردند و از طرف جناب المچی کبیر هم نسبت با ایشان رسوم باز دید و احترام بجمل آمد و هنگام حرکت نیز تا یکفرنج شایسته بودند ورود استاورا پل و نوچرکس مثل سرحد و تفتیس بیت و یک تیرتوب شلیک کردند و در هر شهری تکلیف تاشای تیار و کارخانه و جنبه خانه و مدرسه نظامی غیره که یکنوع احترام است کرده رعایت احترام بطور شایسته معنی می داشتند تا قصبه پادول اسکی شش فرسخی منگوکو عالیجاه اقامیر علی اصغر معین التجاره با سایر تجار دولت علیه متوقف سکوا با استقبال آمده کردند و در حرکت از انجا و ورود در ۱۹ ربیع الاول جنرال کنیاز می که از جانب اعلیحضرت امیر طور سخته پذیرائی و استقبال سفارت کبری بسکوا آمده بود جناب مقرب انخافان محمود خان سیرت مصلحتی است دولت علیه معین بطور برج تاشه فرسخی با استقبال آمد</p>
---	---

۱۶۷۲

<p>کبیر منزل سفارت کبری جناب فرما فرما با جزایها فاسد بیازدید آمدند و در همان مجلس خویش کرده که جناب ایلیچی کبیر شب با اتباع تماشای خانه بروند و بعد میل دارند کارخانها و سایر جاهای لازم را تماشای نمایند جناب معزی الیه رجب خواهش ایشان همان باتفاق اجزای سفارت کبری تماشای خانه فرستند ربیع الاول و ت مرحوم امان الله خان از تقدیرات ایزدی اتفاق افتاد در تسبیح و تخمین و کفین آن مرحوم رجب آداب است اسلام تجارجه دولت علیه حاضر شده مقرری انکا مان محمود خان و قاسم خان و سایر صاحب منصبان سفارت کبری نیز با حالت جلالت و قدر کی در تسبیح جنازه حاضر بودند جناب دولت بیه روسیه هم لوازم احترامات را بطن آورد جناب فرما فرمای مسکو و جمیع صاحب منصبان بزرگ بعد از ظهر منزل جناب ایلیچی کبیر آمده اظهار تاسف کرد تسلیت گفتند با چرخ صاعقه که این خبر با علیحضرت امیر الطور عرض شده بود فرما فرمای مسکور اما مورد بودند که از جانب ایشان جناب ایلیچی کبیر مخصوصاً طلاقات و اظهار تعزیت نمایند ایشان هم حسب الامر و استهیکلی از خبر الهای معتبر مسم از جانب جناب جلالت آت غراف سردود وزیر اعظم دولت سینه روستیه منزل جناب ایلیچی کبیر آمده اظهار تاسف نمود ۲۷ ربیع الاول مسکام حرکت جناب معزی الیه کبیر منزل سفارت کبری جناب فرما فرما با جزایها فاسد بیازدید آمدند و در همان مجلس خویش کرده که جناب ایلیچی کبیر شب با اتباع تماشای خانه بروند و بعد میل دارند کارخانها و سایر جاهای لازم را تماشای نمایند جناب معزی الیه رجب خواهش ایشان همان باتفاق اجزای سفارت کبری تماشای خانه فرستند ربیع الاول و ت مرحوم امان الله خان از تقدیرات ایزدی اتفاق افتاد در تسبیح و تخمین و کفین آن مرحوم رجب آداب است اسلام تجارجه دولت علیه حاضر شده مقرری انکا مان محمود خان و قاسم خان و سایر صاحب منصبان سفارت کبری نیز با حالت جلالت و قدر کی در تسبیح جنازه حاضر بودند جناب دولت بیه روسیه هم لوازم احترامات را بطن آورد جناب فرما فرمای مسکو و جمیع صاحب منصبان بزرگ بعد از ظهر منزل جناب ایلیچی کبیر آمده اظهار تاسف کرد تسلیت گفتند با چرخ صاعقه که این خبر با علیحضرت امیر الطور عرض شده بود فرما فرمای مسکور اما مورد بودند که از جانب ایشان جناب ایلیچی کبیر مخصوصاً طلاقات و اظهار تعزیت نمایند ایشان هم حسب الامر و استهیکلی از خبر الهای معتبر مسم از جانب جناب جلالت آت غراف سردود وزیر اعظم دولت سینه روستیه منزل جناب ایلیچی کبیر آمده اظهار تاسف نمود ۲۷ ربیع الاول مسکام حرکت جناب معزی الیه</p>	<p>ما موریت خود را اظهار نموده لازمند احترام و پذیرایی معمولاً است تا فریب مسکو چند نفر جزایهای بزرگ و پولکوینک و پلیسه تر یعنی کلانتر بزرگ جمعی کبیر سواره رندارم استقبال نموده لوازم توقیر و احترام بطن آوردند نزدیک دروازه شهر خانه بسیار عالی کرده بودند جناب ایلیچی کبیر در آنجا پیاده شده است آسایش نموده بکاسکهائی که از جهت احترام با استقبال آورده بودند سوار شده صاحب منصبان و کلانتر سواره رندارم در اطراف کاسکه جناب ایلیچی کبیر میآمدند با اینکه برف میآمد باز الهالی مسکو با استقبال آمد و یکساعت بغروب مانده بهارنی که برای منزل سفارت کبری تعیین کرده بودند وارد شده در منزل مکفوج سر باز با بیدق و موزیکان و طبل و شیپور صف کشید بقاعده مقرر که در سابق تفصیلات احترامات کاملآ بقدم رسانند عالیجنابان حاکم و قلعجی مسکو با جزایها از نظام و اهل قلم و سایر صاحب منصبان در منزل سفارت حاضر بودند پذیرایی و احترام بطن آوردند جناب فرما فرمای مسکو یکی از خبر الهای محترم را با شیرینی مبارکباد منزل فرستادند جناب ایلیچی کبیر یک ساعت بعد از ظهر ۲۲ ربیع الاول بدین فرما فرمای مسکور و جمع جزایها و سایر صاحب بالباس سسی در خانه خود حاضر ساختند کمال پذیرایی و احترام را معزی داشتند بعد از مراجعت جناب ایلیچی</p>
---	---

۱۶۷۵

خواهد شد و همچنین برای خدمتکاران سفارت و محل سبب	جناب فرمائید برای مسکو با خبر الحاد صاحب منصبان
و افعال عرادهای چند بقدر کفایت فرستاده خواهد شد	با لباس رسمی در منزل سفارت کبری حاضر شد
پنجم جناب المچی کبیر در همان منزلگاه کلا ترمانایت ^{نشان}	نامی آن صاحب منصبان است آمدند خبر الهامجه مستول
حاکم نظامی عسکریه و ارباب مناصب وزارت امور خارج و صاحبان	کران المچی کبیر خویش از ایشان کردند که مطلبی بفرستد
در سه فن طریق که موکلان راه آهن استند استقبال خواهند نمود	نمایند تا با شرح صاعقه خبر دهند و جوابی در روز مطلبی بفرستد
ششم بعد از ورود جناب المچی کبیر بمنزلگاه راه آهن با طاق ^{مخصوصی}	فرستاده شد و با فاصله شش بقعه جواب طاق خبر خارج
تشریف خواهند برده بعد از اسایش چندی دعوت خواهند نمود	صاعقه رسید صورت تشریفاتی که بر حسب علم ^{علائق}
که بر کالسکهای مخصوص سوار شوند و از فرار احترامات تفصیل	امیر المهور درین راه این طریقی یکی از خبرهای وزارت
وارد در اسلطنه بطریق خواهند آمد اول کلا ترمانایت با اتباع خود	مقام خارج اندک است جناب المچی کبیر این دولت است که در
برای سر راهها دویم شاترودن نفرانتچیان از دو طرف ^{نشان}	در ۱۳۹۰ اسلطنه بطریق مقرر شد است معمول کرد از فرات
صف کشیده از جواب بجهت باز کردن راه و امور خواهند نمود	فقرات ذیل است که از فرانس بفراسی ترجمه شده است
سیم ششم بزرگ با یاد و اتباع خود چهارم یکدسته سوار ^{جنابان}	اول شخصی برای تنبیت در و جناب جلاله کتاب المچی کبیر
با صاحب منصب خود پنجم کالسکه چهار نفری چهارم ^{جنابان}	علیه ایران تعیین خواهد شد که بهر احوالی مترجم اول وزارت امور
دولت روس که همراه سفارت کبری میباشند ششم کالسکه چهار ^{نفری}	خارج با استقبال برود که از آنجا بمنزل ولستین بقعه با فضا
چهارم سیم بجهت میرا صادق حکیم نایب دویم سفارت کبری و نظارت ^{نشان}	ایشان بمنزلگاه راه آهن و اسلطنه بطریق وارد شده و در
مترجم و میرزا عدی و میرزا حبیب نشان سفارت کبری هفتم کالسکه ^{نفری}	در همان منزلگاه بعضی در و جناب معزی الیکفوج سبزد از آنجا
چهار نفری و چهارم بجهت نریان خان نایب اول سفارت کبری و ^{نشان}	حاضر خواهد بود که لوازم احترامات نظامیه با طبل و شیپور ^{نشان}
میرزا محسن مترجم اول سفارت کبری هشتم کالسکه چهار نفری چهار ^{نفری}	سیم علاوه بر آن احترامات در همان منزلگاه یکدسته سواره
اسم بجهت فاسم خان مستشار سفارت کبری با علیخان ^{نشان}	شمارم با یکفر صاحب منصبان نشان مورشده اند که از منزل
نهم کالسکه چهار نفری و شش اسم بجهت جناب المچی کبیر دولت ^{نشان}	ره می کالسکه در نظام و با ترتیب تا منزل جناب المچی کبیر
علیه ایران تعیین خواهد شد دویم از یکطرف کالسکه دو نفری ^{نشان}	چهارم روز ورود سفارت کبری به اسلطنه بطریق ^{نشان}
سر کرده و از طرف دیگر اسکادرانی سر کرده همان فوج ^{نشان}	جناب معزی الیه و اتباع سفارت در منزلگاه راه آهن از طرف ^{نشان}
یا ز دویم از جواب کالسکه جلوه داران خاصه صطبل سوار ^{نشان}	امیر المهور کالسکهای مخصوص با خنده و ملازمان درباری فرستاده

۱۹۷۶

<p>و در همان بین اعلیحضرت امیرالطور جنرال اجودان خود را برای تهیت ورود و تعزیت حادثه که مسقو اتفاق افتاده بود فرستاده کمان مر با بال و آغ خواهند فرمود تا اینجا صورت تشریفات ورود بود و از قراریکه روزنامه سفارت کبری با اولیائی علیه رسیده است کل تفصیلات مزبوره در آخر و اگر امانت سفارت کبری بعل آمده بیت و بیستم که بنای دیدن جناب جلالتاب غراف نسل و دیو بشیک اتاسی با شی اعلیحضرت امیرالطور و جنرال مترجم اول بنزل سفارت کبری آمده کالکد دولتی حاضر شدند جناب جلالتاب ایچی کبری و اتباع سفارت کبری بالباس رسی هستند در هر اطاق جنرالها و صاحبان نظام و مباشرین امور خارج دستوفیان نهایت احترام را مهول داشته اند مجلس ششم جناب جلالتاب غراف نسل و مانده در اطاق اول پس جناب جلالتاب غراف نسل و در اطاق دوم جناب سنیادین با جمعی دیگر و در بانی نموده در اطاق ستم خود جناب جلالتاب غراف نسل و کمال احترامات را نسبت بجناب ایچی کبری و اتباع سفارت کبری منظور داشته و در مجلس هر اسلالت دوستانه جناب شرف امجد صدراعظم را بجناب جلالتاب غراف نسل و جناب سنیادین ابلاغ نمودند و مجلس در کمال</p>	<p>با صاحبان خود سواره خواهند آمد و از دهم سواره با صاحبان خود در جلو کالکد سواره آمد سیزدهم بهین ترتیب صفوف سواره در جلو و در پس او از راه آهن موسوم ببقولانی از جاده یوکی و کوچ لیتا نایا و از کنار رود نو موسوم بقافارنکی تا آنجا که بجه جناب ایچی کبری منزل معین کرده اند رفت چهاردهم کشیکیان و قوادلان سر راه عبور سفارت کبری در هر جا بجز برای احترامات اقدام خواهند کرد پانزدهم در جلو منزل ایچی کبری دسته از قوادلان فوج خاصه با بیدق حاضر شد و لوازم احترامات نظامیه را با طبل و شیپور بعل خواهند آورد و اقدام توقف سفارت کبری در و در سلطه بطور غ و و نفر از ان قوادلان خاصه همیشه اوقات در دربار سفارتخانه قوادل خواهند بود شانزدهم جناب ایچی کبری را چند نفر از صاحبان وزارت امور خارجه نزدیک درب و در سر نده رئیس دفترخانه آسیا در اطاقهای مرتبه بالا خواهند کرد هجدهم بعد از ورود جناب معزی ایچی حاکم نظامی بطور غ با چند نفر از جنرالهای معتبر ایشان خواهند رسید و جناب جلالتاب غراف نسل از جانب خود پیش را بجه تهیت ورود و احوال پرسی خواهند فرستاد و جناب سنیادین که معادن وزیر امور خارجه است خود بشخصه دیدن خواهند نمود</p>
--	--

۱۶۷۷

و مودت ختم شده بعد از مراجعت جناب ایلیچی کبری
 سفارت بقاصده نیم ساعت جناب جلالت تاج عرف
 نسل و دیبا زدید آمدند و کمال احترامات نسبت به ایشان
 بعمل آمد هر چند جناب معزی ایلی در مجلس باز دید جناب
 ایلیچی قرار شرفیابی حضور علیحضرت امیر الطوری را طماننا
 میخواستند بگذرانند اما جناب ایلیچی کبری بسبب تکلیف
 معذور بودند خود چند روزه خویشانش تا خیر نمودند
 صورت تشریفاتی که جنرال دمران مترجم اول دولت
 بید روسیه قبل از شرفیابی بحضور علیحضرت امیر الطوری
 سفارت کبری آورده بود از فرقهات ذیل است
 اول در روز رفتن حضور علیحضرت امیر الطوری ^{میسر} بود
 ایشانک آقاسی که بشغل معرفی و دلالت سفارت کبری
 نامور شده است خدمت جناب ایلیچی کبری خواهد رفت
 و ایشان از رفتن عمارت موسوم برستانی دعوت خواهد
 نمود بعد از شستن جناب معزی ایلی در کالسکهها را با فقا
 آنها از فرقهات ترتیب ذیل خواهد بود دو تیم در کالسکه
 اسب و دولتی مخصوص روزهای بزرگ مترجم اول
 وزارت محام خارج و همانداران دولتی و دو نفر
 صاحب منصب ایشانک آقاسی کبری خواهند نشست تیم
 دو نفر شاطر و دو نفر سواره از عیالجات در بخان
 پشت سر کالسکه سابق الذکر خواهند رفت چهارم
 در کالسکه شش اسب دولتی مخصوص روزهای بزرگ
 جناب ایلیچی کبری بلا دست و در مقابل ایشان ^{میسر} خواهد

ایشانک آقاسی که بشغل معرفی و دلالت سفارت کبری
 نامور است خواهند نشست و در اطراف کاری چهار نفر
 پیشخدمت از عیالجات در بخان آنها و طرف خواهند
 رفت و نزدیک پنجه کالسکه بکنف صاحب منصب
 سرکاری سواره سمرایه کاری خواهد رفت پنجم
 در کالسکه شش اسب دولتی مخصوص روزهای ^{بزرگ}
 صاحب منصبان بزرگ سفارت مترب انخاقان ^{سخان} قان
 سر تیم شش و عالیچانان زیمان خان نایب اول
 و حاجی میرزا محسن مترجم اول سفارت کبری خواهند
 ششم در کالسکه شش اسب دولتی مخصوص روزهای
 بزرگ سایر صاحب منصبان سفارت عالیچانان ^{ضاد}
 حکیم نایب دوم سفارت و نظر آقا مترجم و میرزا ^{محمد}
 و میرزا مهدی منشیان سفارت کبری منضم چهار نفر از
 عیالجات در بخان سوار پشت سر کالسکه خواهند رفت
 و روانه شدن کالسکهها الی عمارت امیر الطوری از کالسکه
 رود لواز واقع خواهد بود و بدو سلام که در حیاط
 اندرون عمارت رستانی واقع است خواهند رفت
 هشتم در وقت داخل شدن جناب ایلیچی کبری ^{ایلی} حیاط
 نزدیک در قراولهای قراولخانه بزرگ برای ایشان
 احترام نظامی خواهند نمود نهم در وقت بیرون آمدن
 جناب ایلیچی کبری از کالسکه دو نفر در بان و دو نفر ^{مجنصب}
 از دفترخانه ایشانک آقاسی کبری با استقبال خواهند
 و در سرپلهای عمارت سلام و دو نفر در بان و دو نفر

۱۶۷۸